

نامه به آقای خاتمی سرپرست مؤسسه کیهان

جناب آقای خاتمی نماینده امام و سرپرست محترم مؤسسه کیهان

بعد از سلام روزنامه کیهان مورخه شنبه ۱۴ خرداد ۶۲ در ویژه‌نامه «سالروز قیام خونین ۱۵ خرداد» در مقاله‌ای به قلم آقای سیدحمید روحانی «سرپرست مرکز اسناد انقلاب اسلامی» مدعی شده است که:

«... در همان شرایطی که انقلاب سفید از سوی شاه مطرح شد و لویج ششگانه به فراندوم گذاشته شد، جبهه ملی و نهضت آزادی که آن روز هنوز انشعاب نکرده بودند، در جلسه‌ای با حضور الهیار صالح، مهندس بازرگان، داریوش فروهر و دیگر سران جبهه بر این موضوع اتفاق کردند که شعاری علیه اصلاحات ندهند و باعث رنجش خاطر آمریکا از ایران نشوند. حاصل چنین تصمیمی شعار معروف اصلاحات آری - دیکتاتوری نه، بود. تفاوت این شعار با موضع قاطع امام چنان روشن است که برای همیشه خط امام را از سایر خلوط انحرافی جدا و مشخص می‌سازد...»

نظر به اینکه مطالب فوق خلاف واقع و اتهام ناروایی است که به نهضت آزادی ایران و آقای مهندس بازرگان وارد کرده‌اند، خواهشمند است بر طبق حق و وظیفه‌ای که قانون مطبوعات برای افراد کشور و برای نویسندگان و ناشرین تعیین کرده است و هم چنین به منظور دادن آگاهی صحیح به مردم و ارائه حقایق که خدمت و تعهد اصلی مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران است، دستور فرمایید شرح زیر در اولین شماره آن روزنامه درج شود.

اظهارات فوق‌الذکر علاوه بر آنکه مستند به هیچ مدرک و شاهدهی نمی‌باشد و معلوم نیست نویسنده محترم با چه انگیزه و یا مأموریتی اقدام به چنین پرونده‌سازی دروغ و خراب کردن سوابق نهضت آزادی می‌نماید با نوشته‌های خود ایشان در کتابی که در سال ۱۳۵۶ تحت عنوان «نهضت امام خمینی» منتشر کرده‌اند، مغایر است و ایشان فراموش کرده‌اند که قبلاً چه گزارش‌هایی داده و چه چیزها گفته‌اند.

سران نهضت آزادی ایران که در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۴۱، یعنی سه روز قبل از فراندوم شاه، همراه با سران و فعالان جبهه ملی دستگیر و زندانی شده بودند نه‌تنها چنان جلسه‌ای را تشکیل ندادند و در مقام و موقعیتی قرار نداشتند که شعاری به نفع انقلاب شش ماده‌ای شاه و جلوگیری از رنجش آمریکا بسازند، بلکه محکوم به زندانهای طویل‌المدت شدند - معذک نهضت طی اعلامیه‌های عدیده، چه قبل از فراندوم شاه و چه بعد از آن تصویب نامه‌های هیئت دولت و انقلاب شاهانه را تخطئه و از نقشه‌های شوم مربوطه پرده برداری کرده است.

در آن ایام شاه و تبلیغات دولتی اصرار داشتند که نهضت روحانیت را یک حرکت ارتجاعی علیه اقدامات مترقیانه خودشان و به سود ملاکین و متعصبین نشان دهند. نهضت آزادی از آن جهت نیز طی اعلامیه‌هایی که عیناً در کتاب تألیفی سرپرست فعلی مرکز اسناد انقلاب اسلامی نقل و تأیید شده است و بدون هیچگونه توقع و طمع در دفاع از روحانیت و رد اتهامات شاه برآمده بوده است. ذیلاً به ذکر بعضی از آن اعلامیه‌ها و توضیحات مختصری می‌پردازیم.

۱- اعلامیه ۲ بهمن ۴۱ شورای مرکزی نهضت آزادی تحت عنوان: «ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ(!)» و برگرداندن تاریخ خود» که دقیقاً اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انقلاب سفید شاه را که به دستور و حمایت خارجیان بوده است تحلیل و افشاگری نموده است.

۲- بیانیه آبانماه ۱۳۴۱ تحت عنوان «دولت از هیاهوی انتخابات انجمن‌های ایالتی چه خیالی دارد؟» که از مراحل اولیه توطئه رژیم شاه پرده برداشته است. سرپرست مرکز اسناد در صفحه ۱۶۳ کتاب «نهضت امام خمینی» درباره این بیانیه نهضت آزادی چنین گفته است:

«نهضت آزادی ایران نیز طی اعلامیه‌ای تصویب نامه دولت را به باد استهزا و صخره گرفته و آن را نقشه‌ای جهت عوام‌فریبی و سرگرم ساختن مردم دانست.»

علاوه بر این نویسنده مزبور متن کامل و نسخه اصلی این بیانیه نهضت را در صفحه ۱۶۶ کتاب خود چاپ کرده است.

۳- بیانیه آبان ماه ۱۳۴۱ تحت عنوان: «در زمینه اعلامیه‌های اخیر علمای اعلام و مراجع عظام دامت برکاتهم» که ضمن تحلیل هدفهای شوم رژیم شاه و حامیان خارجی آن برخی از نکات مبهمی را که در مبارزه روحانیون وجود داشت و دستگاه تبلیغاتی رژیم از آن با تمام قوا سوء استفاده می‌کرده روشن و جهت اصلی مبارزه را نشان داده است. در این اعلامیه نهضت ضمن حمایت از مبارزات آیات عظام نوشت:

«بسیار ارزنده و زیبنده است که آقایان اعتراض خود را نه به موضوع واحد انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی کرده و نه آلوده به مسئله اصلاحات ارضی که دست‌آویز ظاهر فریبی برای دولت شده است، نموده‌اند، بلکه نظر را بالاتر گرفته انگشت روی منشاء خرابیها و ریشه فساد یعنی خودکامی و حکومت مطلق‌العنانی فردی گذارده مدافع اجرای کلی احکام اسلام و رعایت قانون اساسی شده حق حاکمیت مردم از طریق انتخابات صحیح را مطالبه می‌نمایند.»

سرپرست مرکز اسناد در صفحه ۱۸۲ کتاب خود «نهضت امام خمینی» درباره این اعلامیه نهضت می‌نویسد:

«نهضت آزادی ایران نیز بار دیگر با صدور اعلامیه‌ای از قیام مقدس روحانیت پشتیبانی کرده تا حدودی به روشن کردن موضع نظرات و خواسته‌های روحانیون و انکیزه آنان از قیام علیه «تصویب‌نامه» و در رفع ابهاماتی که وجود داشت کمک کرد.»

سپس ایشان در صفحات ۱۸۴-۱۸۶ کتاب خود متن کامل اعلامیه فوق‌الذکر نهضت آزادی را چاپ کرده است.

۴- اعلامیه ۴ بهمن ۴۱ تحت عنوان: «ملت شرافتمند، کارگران و کشاورزان عزیز ایرانی»

۵- اعلامیه ۲۳ بهمن ۴۱ تحت عنوان: ماجرای رفراندوم شاهانه!!

۶- بیانیه تحلیلی کمیته دانشجویان نهضت آزادی ایران «مورخه اسفند ۴۱»

آقای سیدحمید روحانی در کتاب خود به نام «نهضت امام خمینی» به کرات به این مواضع اصولی نهضت اعتراف و اشاره نموده است. حال چگونه است که ایشان نوشته‌های قبلی خود را به کلی فراموش کرده و علیرغم دسترسی به اسناد نهضت آزادی در مرکز اسنادی که سرپرستی آن را بر عهده دارند و هم چنین مجموعه اسناد نهضت که منتشر شده‌اند به جعل چنین خبری پرداخته است؟

نویسنده محترم که شعار «اصلاحات آری دیکتاتوری نه» را تخطئه نموده و بناحق و خلاف آن را نتیجه تصمیم جلسه موهوم با حضور آقای مهندس بازرگان دانسته است فراموش نموده که در کتاب «نهضت امام خمینی» (صفحات ۱۶۹-۱۷۲) با صراحت عدم مخالفت امام خمینی و سایر مراجع تقلید و علمای اسلام را با اصلاحات شاه گزارش کرده است:

«امام خمینی با هر گونه مخالفت و مبارزه با تقسیم اراضی شاه مخالف بود و عقیده داشت که این برنامه اگر به نفع توده‌های دهقانی و زارع نباشد به نفع ملاکین که اکثراً از نورچشمی‌های دربارند نیز نیست و تیشه‌ای است که رژیم به ریشه‌های خود می‌زند».

نویسنده، همچنین ضمن شرح مذاکراتی با واعظ محترمی (که اسمش را نبرده است) ولی بنا به اظهار وی سخت نگران و متأسف بوده است که علما و مراجع فریب خورده و از مبارزه با «تقسیم اراضی» غافل شده‌اند صریحاً اعتراف می‌کند که:

«به او گفتم که این اظهارات «مقام برجسته» به نظر می‌رسد روزه قرضی بوده است زیرا اکنون نزدیک یکسال از آغاز اصلاحات ارضی می‌گذرد (قانون اصلاحات ارضی در تاریخ سه شنبه ۱۹ دیماه ۴۰ در زمان دولت علی امینی به تصویب رسید، و تا کنون از طرف هیچ یک از علما و مراجع کوچکترین مخالفتی با آن نشده است. حتی در عید فطر ۱۳۸۱ قمری (اسفند ۱۳۴۰) آقای دکتر ارسنجانی وزیر کشاورزی دولت امینی (که در کابینه سیاه علم نیز همین سمت را عهده‌دار بود، تلگراف تبریکی به چند تن از علمای قم (کلپایگانی - نجفی و شریعتمداری) مخابره کرد و ضمن آن از حضرات به خاطر اینکه با اصلاحات ارضی مخالفت نکرده‌اند تقدیر و سپاسگزاری نمود و اکنون که نزدیک به یک سال از اجرای آن می‌گذرد دیگر برای دولت جای نگرانی از مخالفت جامعه روحانیت وجود ندارد».

نویسنده سپس آن «مقام برجسته» را قائم‌مقام الملک رفیع معرفی کرده و علت اصرار و دعوت وی را آن دانسته است که با تحریک علما و مراجع به مخالفت با برنامه اصلاحات ارضی شاه، اولاً توجه افکار عمومی از تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی منحرف گردد و ثانیاً دستگاه تبلیغاتی رژیم که مترصد فرصت بودند، به محض حمله و اعتراض علما و مراجع به برنامه اصلاحات ارضی شاه به کار افتاده و «جامعه روحانیت» را ارتجاعی و همدست فئودالها، ملاکین و زمینداران بزرگ قلمداد نمایند. حال چگونه است که همان نویسنده، امروز در مقام سرپرست مرکز اسناد، چنین موضع‌گیری نموده و برای اثبات سخن نادرست خود ادعاهای موهوم نموده و سعی دارد تاریخ را تحریف نماید؟

با تشکر و امتنان

نهضت آزادی ایران